

## رساله اربعین مولانا جامی

## بسم الله الرحمن الرحيم

۴۹ صحیحترین حدیثی که راویان مجالس دین و محدثان مدارس یقین املاء کنند حمد دانائست که کلمات تامه جامعه بر زبان معجز بیان حبیب خود گذرانیده . و آنرا ثانی کلام کامل و خطاب شامل خود گردانیده . و بنقل روای تقه بعد تقه بگوش محرمان سعادت صحبت وی رسانیده . و بنور علم بآن و عمل بموجب علم از ظلمات ضلالتشان رهانیده . صلی الله علیه وسلم نقله علومه حفظه ادا به امابعد این چهل کلمه ایست از آن کلمات جامعه که ، سهولت فهم و حفظ را ، بنظم فارسی ترجمه کرده می آید .

امیدواری آنرا که ناظم مترجم امروز در شرط من حفظ علی امتی اربعین حدیثا ینفعون داخل شود . و فردا بسعادت جزائه بعثه اله یوم القیمته فقیها عالما واصل ومن آله و مکنون الکنون العصمة والعون .

الحديث (لا یومن احدکم حتی یحب لآخیه ما یحب لنفسه)

هر کسیرا لقب مکن مومن      گرچه از رنج جان و تن کاهد  
تا نخواهد برادر خود را      آنچه از بهر خویشتن خواهد

### من اعطی الله و منع الله و احب الله و ابغض الله فقد استكمل ایمانه

هر که در حب و بغض و منع و عطا  
نبودش دل بغیر حق مایل  
تقد ایمان خویش را یابد  
بر محک قبول حق کامل

«المسلم من سلم المسلمون من يده و لسانه»

مسلم آنکس بود بقول رسول  
که بهر جا بود مسلمانی  
گر چو عامی بود و گر عالم  
باشد از قول و فعل او سالم

«خصلتان لا یجتمعا فی موهن البخل و سوء الحق»

بذل کن مال و خوی نیکو روز  
راه ایمان اگر همی پوئی  
زانده در هیچ مومنی با هم  
نشوو جمع بخل و بدخوئی

«یشیب ابن آدم و یشب فیہ خصلتان الحرص و طول الأمل»

آدمیرا ز پیری افزاید  
هر زمان در بنای عمر خلل  
نیک در وی جوان شود و صفت  
حرص بر جمع مال و طول امل

«من لم یشکر الناس لم یشکر الله»

بتو نعمت زدست هر که رسد  
نه بمیدان شکر گوئی پای  
کی بشکر خدا قیام کند  
تارک شکر بندگان خدای

«من لا یرحم الناس لا یرحمه الله»

رحم کن رحم زانکه بر رخ تو  
در رحمت جز از تو نگشاید  
تاتو بر دیگران نه بخشائی  
ارحم الراحمین نبخشاید

«الدنیا ملعونہ ملعون ما فیها الا ذکر الله»

هدف لعنت خدای آمد  
دنیوی و هر چه هست در دنیوی  
غیر از ذکر خدا که صاحب کرد  
درد و عالم بر رحمت است اولی

«نفس عبد الدنیا و نفس عبد الدرهم»

گرچه هست آفتاب رحمت حق  
شامل ذره ذره عالم  
باد از و دور بنده دینار  
باد از دور بنده در هم

«دم علی الطها ره یوسع علیک الرزق»

ای کز آلودگی تو شب و روز  
ای طهارت مباح تا بر تو  
فاقه و فقر تو زیاده شود  
روزی تنگ تو گشاده شود

«لا یلدغ المؤمن من حجر واحد مر قین»

دیگر از وی مدار چشم وفا  
هر که شد بر در جفا گستاخ  
زانکه هر کز دوباره مومن را  
نگزد مار از یکی سوارخ

«العدة دین»

هر د را هر چه بگذرد زبان  
عیب باشد و رای آن کردن

وعدہ در ذمہ کرم قرض است      فرض باشد ادای آت کردن

### «المجاس بالامانته»

ای شده مجرم مجالس راز      راز هر مجلسی امانت تست  
مکن افشای راز مجلس کس      زانکه افشای آن خیانت تست

### «المستشار موثمن»

هر که در مشورت امین تو شد      گر چه باشد امان روی زمین  
چون نهان دارد آنچه مصالحتست      خائش خوان به حکم دین امین

### «السمح رباح»

سودا گر بایدت ز مایه خویش      دست بخشش کشای و بخشایش  
سودت اکنون ستایش فردا      در جوار خدای آسایش

### «السعيد من وعظ بغيره»

نیکی بخت آن کسی که می نبرد      رشک بر نیک بختی دگران  
سختی روز کار نا دیده      بند گیر دز سختی دگران

### «كفى بالمرء اثمانا يتحدث بكل ما سمع»

مرد را بس همین گنه که قدم      از مقر امان نهد بیرون  
هر چه اید درون روزن گوش      از سر زبان رود بیرون

### «كفا بالموت واعظا»

چند گیری بمجلس واعظ      پای منبری گرفتن واعظ  
رو عظ تو بس بمرک همسایه      نمره نوحه گر بپانک بلند

### «خير الناس انفعهم للناس»

اینکه برسی که بهترین کس کیست      گویم از قول بهترین کسان  
بهترین کس کسی بود که بخلق      بیش باشد بخلق نفع رسان

### «ام الله يجب السهل الطلق»

تا خدا دوست گرددت با خلق      یکدل و یک زبان و یکرو باش  
شار طبع و شکفته خاطر زی      نرم خوی و گشاده ابرو باش

### «تهادوا تحابوا»

دوستی مغز و پوست دشمنی است      تا کی از مغز سوی پوست شوید  
بهدا یا کنید دار و ستد      تا بهم زان وسیله دوست شوید

### «اطلبوا الخير عند حسان الوجوه»

بر در خوب روی منزل گیر      چون بی حاجتی بروی آئی  
تا از آن بیشتر که حاجت تو      دهد از دیدنش بیاسائی

## زرغباً تزدد حبا

دیدن دوست دوست را که گه  
ز اتفاق و دوام صحبتان .  
چهره دوستی بیاراید .  
شوق کاھد ملالت افزاید

## «طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس»

ای خوش آنکو بهیب بینی خویش  
عیب او خود به پیش دیده او  
پیشوای هنر و روان گردد  
پرده عیب دیگران گردد

## «الغنی الیاس مافی ایدی الناس»

گر دلت را توانگری باید  
بازکش دست همت از چیزی  
که توانگر دلی نکو هنریست  
که بدست تصرف دگر یست

## «من حسن اسلام المرء قرکه مالا یعنیه»

تا شود در جهان علم و عمل  
زانچه در خود نیفتد باز ایست  
شاهد دین تو جمال آرای  
وانچه لایق نباشد بازای

## «لیس لشدید بالصرعه انما الشدید الذی یملك نفسه عند الغضب»

پهلوان نیست آنکه در کشتی  
پهلوان آن بود که گاه غضب  
پهلوان دگر بیندازد .  
نفس اماره راز بون سازد

«لیس الغنی من کثرت العرض انما الغنی غنی النفس»  
نه توانگر کسی بود که جمال  
کار پرداز و چاره ساز شود  
آن بود که شهود فضل خدای  
آزر و مال بی نیاز شود

## «الدین شین الدین»

نکشد بهر مال دینی رنج  
چهره دین مکن بنا سخن دین  
هر که خواهد کمال بهره دین  
تا نکاھد جمال چهره دین

## «القناعة مال لا یفقد»

صاحب حرص راز خوان اکرم  
بقناعت گرای کان مالیست  
فیض احسان نهیر سدهر گز  
که به پایان نهیر سد هر گز

## «الصبحة تمنع الرزق»

ای کمر بسته کسب روز یزا  
بهر خواب صباح چشم به بند  
صبح خیزی دلیل فیروز یست  
ز آنکه این خواب مانع روز یست

## «آفتة السباح المن»

کسی بنمیت کسی شود دل گرم  
غیر باد خزان منت نیست  
چون زمخت کشد دمی سردی  
افت روزه جوانمردی

## «الحزم سوء الظن»

حزم مردان بود که در همه وقت  
در همه کار احتیاط کند  
در حق خلق بد گمان باشد  
تا زهر کید در امان باشد

**«العلم لا یحل منه».**

ای گرانمایه مرد دانشمند  
مستعد را از آن مشو مانع  
گرترا علم دینت شود معلوم  
مستحق را از آن ممکن محروم

**«الکلمة الطیبه صدقه».**

سخن نرم کوی با سائل  
ز آنکه در روی اهل حاجت هست  
گرتز مالش نمیدهی صدقه  
قبول خوش از مقوله صدقه

**«کثرت الضحک تمیت القلب».**

خرم آنکس که بهر زنده دلی  
خنده کم کن که خنده بسیار  
زیر لب خنده را بپیراند  
صدر دل زنده را بپیراند

**«الجنة تحت اقدام الامهات».**

سرز مادر مکش که تاج شرف  
خاک شو زیر پای او که بهشت  
گرددی از راه مادران باشد  
زیر اقدام مادران بسا شد

**«البلا هو کل للمنطق».**

هر که شد مبتلای پر گوئی  
هر بلائی که میرسد بکسان  
بیلای عجب گرفتار است  
بیشتر از ممر گفتار است

**«المنظرة سهم مسمومة من سهام ابلیس».**

دیدن زلف و خال نامحرم  
هر نظر ناو کیست زهر آلود  
وانه کید و دام ابلیس است  
که زشت و کمان ابلیس است

**«لا یسبح المؤمن دون جاره».**

هر که در خطه مسلمانی  
کی پستد که خود بنصیب سیر  
باشد از نقد دین گرانمایه  
بنشیند گرسنه همسایه

تمت ترجمه هذه الاربعین بتوقیق من هو خیر ناصر و معین

سنه ست و ثمانین و ثمانمائة متع الله بهاکل فریق وفيه والحمد لله علی الاتمام

والصلوة علی محمد و آله البرة الکرام

**قطعه اتمام**

اربعینهای سالکان جامی  
نبود از فضل حق عجیب و غریب  
هست بهر وصول صدر قبول  
که بدین اربعین رسی بوصول